



محمد حسين روحانی

دانشمند کسی است که چیزها را با نام‌های درست و راستین
آن‌ها نام‌گذاری می‌کند.

قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه - از - بهاء الدین خرمشاهی،
تهران، جامی - نیلوفر ۱۳۷۴ خورشیدی، در ۹۰۲ صفحه با قطع رحلی
بزرگ، ۱۰۰۰ نسخه.

به دشواری می‌توان باور کرد که دانشمندی توانسته باشد این همه دانسته‌های فراوان و
گرانبها را با این همه وسواس و دقت و صحت و امانت علمی و عمق تحقیقاتی و گستردگی و
پهنای زمینه‌های کار، شیوایی نوشتار، ساده، روان، همه‌کس‌یاب، شدیداً مردمی، سودمند
برای فرهیختگان و ناموختگان (هر دو) با آوردن سند‌های استوار برای هرسخن از اصیل‌ترین،
دیرین‌ترین و استوارترین مآخذ فرهنگ و تمدن ایرانی، اسلامی، عربی در گنجایشی چنین خرد،
گردآورده باشد. امامی بینیم که شده است. به نیکوترین گونه‌اش: گزارش واژگان با ریشه‌یابی
آن‌ها (ایتمولوژی لغات)، شرح واژه‌های دخیل، اگر ورود واژه‌های غیر عربی در قرآن گرامی
پذیرفته شود (خود ایشان به همه اسناد اسلامی و فرنگی در این زمینه توجه داشته‌اند)، شرح

واژگان در واژه نامه های عربی، بحث های دستور زبان که برپایه آن ها تفسیر و ترجمه گوناگون می شود، آوردن رد و ایرادهای فراوان مفسران در ذیل هرآیه، دخالت نکردن و بی طرف ماندن در تضارب آرای ایشان، شرح جنبه های فقهی و حقوقی از کتاب های آیات الاحکام، گسترده فرض های کلامی با استفاده از کتاب های کلامی در تمدن و فرهنگ و ادب و دانش و کلام و فلسفه اسلامی، ایرانی، عربی در درازای ۱۴۱۷ سال، ایجاد فضای سالم برای بحث درباره اقوام و امتان گذشته با تسلطی که نویسنده بر فرهنگ عربی و غربی هر دو، دارد، بهره وری از پژوهش های توده وار خاورشناسان باختری در زمینه های ریشه یابی کلمات و جملات و اسامی خاص و اعلام تاریخی و اماکن جغرافیایی، مقایسه گویش قرآن با دو نشتار پیشین کلیمیان و ترسایان (تورات و انجیل)، احادیث نبوی و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، گزارش های اصحاب پیامبر گرامی اسلام، بهره وری از اصیل ترین و بنیادی ترین مأخذ تفسیری از بزرگ ترین و تنها استاد مسلم و خدشه ناپذیر قرآن گرامی از نهج البلاغه مولا علی، شأن نزول آیات، قرائت های گوناگون و تأثیر هر کدام در تفسیر و ترجمه آیات، آوردن گفتارها درباره تائویل آیات متشابه، پرهیز شدید از تفسیر به رأی از راه نسبت دادن هر گفته ای به گوینده اصلی و اولی آن، تهیه کردن انواع فهرستگان و گونه های واژه نامه ها، آراستگی های دیگر آن است.

پژوهشگر در پایان اثر، مقالاتی مفصل و ممتّع برای توجیه کارهای خود آورده است. چندین مقاله مفصل و مشروح و در عین حال کوتاه و سودمند (مختصر و مفید)، آذین بخش بخش پایانی کتاب است: ۱. تاریخ چه ای کوتاه از ترجمه های فارسی قرآن مجید. همراه است با گردشی سراسری در جهان باستان و سده های میانین و تمدن های امروزی و چگونگی برداشت دارندگان آن ها از قرآن گرامی. نیز گزارش سیر تکامل تاریخی تفسیر و ترجمه قرآن در ایران و جهان اسلام و عرب. ۲. رؤیای ترجمه بی غلط قرآن. همین تک واژه، مراد یوانه وار به شور می آورد. اندر آن بسی سودمندی ها برای عاشقان و عارفان و قرآن پژوهان است. ۳. ترجمه دسته جمعی قرآن. ۴. مشکلات و مسایل ترجمه قرآن کریم. ۵. درباره ترجمه حاضر. ۶. قرآن و قرآن پژوهی. شرحی مفصل درباره نزول و جمع قرآن و کتابت و قرائت و پیدایش همه دانش های قرآنی و سراسر تاریخ قرآن و قرآن شناسی از نظر اعراب و مسلمانان و فرنگان در درازای ۱۴۰۰ سال با یادکرد همه مأخذ و منابع بایسته اصیل در همه زمینه ها. ۷. تحریف ناپذیری قرآن. ۸. فهم قرآن با قرآن. القرآن یفسر بعضه بعضاً.

۹. کلمات فارسی در قرآن مجید. ۱۰. آغاز واژه‌نامه‌های گوناگون تفسیری و ترجمه‌ای قرآن گرامی همراه واژه‌نامه‌های مربوط به کار خود پژوهشگر در این زمینه.

یکی از امتیازهای برجسته پژوهشگر، صداقت وی با خود است که از یاوه‌گویی‌های فراوان بازش داشته‌است. در جایی که سخنی برای گفتن داشته، آن را با آرامش و نرم‌خویی و خونسردی ویژه خود بیان کرده‌است و در جایی که دیده‌است، باید مسأله‌ای را «رفع و رجوع» کند، لب از گفتار بسته‌است و قلم را در نیام فروهشته. چه بسیاریند کسانی که می‌بینند این یا آن آیه با پسند امروزی جهان سازگار نیست و از این رو کوشش‌های توان‌سوز می‌کنند برای گذر از لایرنت پیچیده تاویلات لایرضی صاحب‌به‌خیال خام خود برای تطبیق اصول صحیح و مطلق و جاودانه قرآن با یافته‌های علمی امروزی یا یگانه‌کردن و متحد ساختن سخن یزدانی با شیوه‌های رفتاری مردم در اروپای باختری و امریکای شمالی. چیزهایی امروز در عرف جهانی مطلوب شمرده می‌شود و این، درست است. ولی پسند اروپای باختری و امریکای شمالی، اولاً: الف - نمی‌تواند برای همه مردم جهان الزام‌آور باشد. ب - دانسته نیست تا چه زمانی پایدار خواهد ماند و اصولاً آیا غربی‌ها (خودشان) برای همیشه بر این پسند باقی خواهند ماند یا نه. یک نمونه، برابری زن و مرد امروزی در حقوق اجتماعی است که گفتار پژوهشگر صادق و امین را در این زمینه زیر آیه‌ای مربوط به قوامیت مردان بر زنان (نساء/۴/۴۳) گوش می‌کنیم: چنین می‌گوید: در عصر جدید که مقام اجتماعی و نیز خانوادگی زن بهبود یافته‌است و همه جا سخن از برابری قانونی و اجتماعی زن و مرد است، بعضی از تجددگرایان تصور می‌کنند قرآن نیز به مساوات زن و مرد قایل است. به نظر ما چنین برداشتی از این آیت و آیات دیگر نمی‌توان کرد. البته قرآن به حقوق زنان به عنوان مادر و همسر، توجه شایانی مبذول داشته‌است.

طبق صریح قرآن، به مادر کلمه «اوف» (کلمه‌ای حاکی از نارضایی) نمی‌توان گفت (اسراء/۱۷/۳۳). زن پیراهن مرد یعنی نزدیک‌ترین همدل و همدرد او شمرده شده‌است (بقره/۲/۱۸۷). همچنین مایه آرامش اوست (روم/۳۰/۲۱). آیات بسیاری هست که حق و حقوق زنان را از مراعات در آبستنی و شیردهی گرفته تا ضرورت تعیین مهر در شرایط مختلف، با نگاهداشت و اکرام شایسته زن یا طلاق شایسته او یا مانع و جلوگیری از دواج مجدد او نشدن، بیان داشته‌است. باید توجه داشت که در عصر جاهلیت، زن جزو اشیاء شمرده می‌شد و در ایام «دوره ماهانه» او را طرد می‌کردند یا طلاق‌های بی‌سرانجام و پیاپی و مکرر می‌دادند «ایلاء» براو می‌خواندند یا با «ظهار» او را آزار می‌دادند با گرایش به زن جدید، همسر پیشین را بلا تکلیف

می‌گذارند یا هیچ سهم الارثی به او نمی‌دادند یا از همه غریب‌ترین که گاه زن را نیز به ارث می‌بردند (نساء/۱۹/۴). قرآن از همه این بیدادها نهی کرد و قوانینی مفید به حال زن تشریح فرمود. توحش جامعه عرب قبل از اسلام و بی‌اهمیتی به زن در عصر جاهلیت و اوان ظهور اسلام به حدی بود که دختر را غالباً زنده به گور می‌کردند. قرآن به شدت از این کار نهی فرمود (تکویر/۸/۸۱). یکی از مهم‌ترین آیاتی که مقام شایسته‌ای به زن می‌دهد، آیه ۲۲۸ سوره دوم (بقره) است که می‌فرماید: زنان را بر مردان حقوقی است همچنان که مردان را بر زنان. اما تفاوت و تفضیل بعضی اقوام یا انسان‌ها بر دیگری، یا برتری بعضی زنان از جمله مریم بر زنان دیگر، یا تفاوت مردان باهم یا حتی تفاوت و اختلاف مرتبه پیامبران با یکدیگر، در منطق و کلام قرآن هست. همین است که در فقه اسلامی و در احکام شرعی فرق‌های بسیار بین زن و مرد هست. از جمله: ۱. دیه زن نصف مرد است. ۲. طلاق و رجوع به دست مرد است. ۳. زن بدون اذن شوهر حق سفر یا حتی خروج از منزل را ندارد. ۴. جهاد و نماز جمعه بر زن واجب نیست. ۵. مشاغلی چون قضاوت و امارت (جز در نزد ابوحنیفه) و امامت نماز برای مردان، به زنان نمی‌رسد. ۶. حفظ حجاب بر زنان واجب است، ولی حجابی جز پوشیدن شرمگاه بر مردان نیست. ۷. میراث بری زنان نصف مردان است (پانوشت صفحه ۸۴).

اگر خواسته باشد نمونه‌های بیش‌تر بیاورد، این مقاله از گنجایش آن‌ها کاسته می‌آید و از این مهم‌تر آن که امتیازات فراوان اثر پژوهشگرانه جناب خرمشاهی را محدود می‌کند. به نظر من، باید این اثر را نه یک ترجمه بلکه یک تفسیر نمونه وار (Typical) برای افراد کم‌فرصت و نیازمند به سخنان مختصر و مفید جامعه‌امروزی به ویژه عامه روشن‌فکران به شمار آورد. شرح اجتماعی و حقوقی و فقهی ایشان (برای مثال) دربارهٔ ربا (بقره/۲/۲۷۵) می‌تواند یکی دیگر از بهترین دلایل باشد. سخن (به شیوهٔ ایشان) آرام و نرم و خونسرد است. مسأله‌ای حساس در میان است که می‌تواند بسیاری دردسرها بیافریند. در همین باره پرسیدم: چرا این اندازه «دست به عصا» حرکت می‌کنید؟ پشتیبانان و پشتوانه‌های استوار دارید. گفت: مگر ندیدی چه فریادها برسرت کشیدند و چه انبوهی دشنام‌نامه‌ها برایت گسیل کردند. گفتم: ولی همه را خونسرد و آرام، بی‌دلخوری از محبت انتقادگران، با مغزی سرد و قلبی گرم، بالبخند شیرین و دلی آکنده از شادی‌هایی راستین خواندم. شاید برخی کوشیدند که مرا به فریاد کشیدن وادارند. ولی من هرگز این سروده را از یاد نبردم:

چونیک در نگری آن که می‌کشد فریاد زدست خوی بد خویشتن به فریاد است